

رابطه نحو و معناشناسی در تعیین متمم‌های گزاره‌ای در زبان فارسی

مهر ۱۳۹۰ - زمستان ۱۳۹۱ - محمد احمدی

استاد یار زبانشناسی دانشگاه تهران

چکیده

در این مقاله، فرض اصلی آن است که ساخت معنایی محمول جمله اصلی و ساخت صوری بند متممی رابطه دارند. در زبان فارسی تفاوت صوری میان وجه اخباری و وجه التزامی در بند پیرو مربوط به تفاوت‌هایی است که در رابطه معنایی میان محمول جمله پایه و محمول جمله پیرو وجود دارد.

واژگان کلیدی: ساخت معنایی، ساخت نحوی، وجه اخباری، وجه التزامی، بند پیرو.

پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه:

گیون (Givon) و نونان (Noonan) معتقدند که ساخت معنایی محمول‌های موجود در جمله اصلی و نحو یا ساخت صوری بندهای متممی ظاهراً به هم مرتبطند. بندهای متممی جزء طبقات بندهای پیرو از قبیل بندهای موصولی و قیدی هستند. فعل بندهای متممی جزء موضوع‌های نظر (arguments) قلمداد می‌شوند. گاهی بند پیرو از معنایی کاملاً وابسته به بند اصلی است:

۱. فاطمه پسرش را مجبور کرد که به مدرسه برود.

از سوی دیگر، بندهای متممی وجود دارند که کاملاً مستقل از بندهای اصلی هستند:
۲. فاطمه گفت که پسرش به مدرسه رفت.

در سطح معنا شناختی، دو پدیده (دو گزاره یا رخداد) داریم: یکی در بند اصلی و دیگری در بند پیرو که دومی کمابیش وابسته به اولی است. وابستگی معنایی در ساختهای کترلی را (manipulative) آشکارتر است. در اینگونه ساختها، کنشگر بند اصلی (A1) عمل کنشگر بند پیرو (A2) را کنترل می کند. گویان این کنترل را بر پایه نیروی وابستگی (binding force) که توسط کنشگر بند اصلی بر کنشگر بند متممی اعمال می شود، تبیین می کند. گویان (Givon, *The Binding Hierarchy and ...*, p.516) بر آن است که هر قدر پایبندی میان دو رخداد قویتر باشد، ادغام نحوی دو گزاره به یک بند محتملتر خواهد بود. قویترین پایبندی میان کنترل کننده و کنترل شونده وجود دارد و ضعیفترین پایبندی در رابطه میان گزارش کننده و گزارش شونده وجود دارد. وی محمولها را (Givon, *the Binding Hierarchy and ...*, p.516) به دو دسته «کترلی» و «شناختی و اخباری» تقسیم می کند. به نظر گویان (Givon, *cause and control*, p.518-519) محمولهای سببی و اجازه ای - هر دو - جزء محمولهای کترلی قلمداد می شوند.

ماریاپرسن (persson, p.185-186) معتقد است که برای تعیین درجه پایبندی میان دو محمول باید پارامترهای زیر را مد نظر داشت:

الف) کنشگری (agentivity): هرگاه کنترل A1 بر A2 ضعیف باشد، A2 درجه بالاتری از کنشگری را از خود نشان می دهد، اما هرگاه کنترل A1 بر A2 قوی است، A2 با وجود اینکه کنشگر است ویژگیهای کنش پذیر را از خود بروز می دهد. (Givon, syntax: a)

(fundamental typological Introduction, II, P.521)

ب) ارجاع زمانی (time referency): اگر کنترل A1 و A2 قوی باشد، A1 زمان انجام محمول دوم توسط A2 را نیز تعیین خواهد کرد. به سخن دیگر، ارجاع زمانی بند پیرو را ارجاع زمانی بند پایه تعیین می کند. (Noonan, p.110-133)

ج) میزان تماس (degree of contact): میزان تماس کنشگر و کنترل شونده نیز یکی از پارامترهاست. هرگاه کنترل نه به طور مستقیم بلکه با واسطه صورت پذیرد، کنترل A1 بر A2 ضعیفتر خواهد بود. در اینصورت امکان موفقیت محمول بند پیرو به میزان اطاعت پذیری کنشگر سوم که دستور را از A1 به A2 منتقل می‌سازد بستگی خواهد داشت. (د) زور/میزان مقاومت (force/resistance): اگر کنترل شونده، یعنی A2، برای مقاومت در برابر A2 اختیار کافی داشته باشد، برای موفقیت کنترل A1 به اعمال زور نیاز خواهد داشت.

مروری بر مطالعات گذشته:

تفاوت میان متمم‌های گزاره‌ای در زبان فارسی ظاهراً به تمایز میان وجه اخباری و وجه التزامی بر می‌گردد. گرچه پژوهش در دستور زبان فارسی به صورت مستقل آغاز گشته و در دهه‌های اخیر پژوهش‌های بیشتر، بویژه از سوی زبان‌شناسان، در این مورد انجام شده است؛ اما هنوز نکات مبهم و حل نشده در دستور زبان فارسی کم نیست. از جمله این مسائل یکی وجه التزامی است که دستور نویسان، چه ایرانی و چه خارجی، چه زبان‌شناس، بررسی علمی و همه جانبه‌ای در آن نکرده‌اند.

پنج استاد (جلد دوم، ص ۳۵) شش وجه برای افعال قائل هستند که از این میان (۱) وجه اخباری، آن است که وقوع کاری را به طریق خبر بیان کند: رفتم، خواهم رفت، تو رفته‌ای، او آمده بود؛ (۲) وجه التزامی، آن است که کار را به طریق شک و دلی و آرزو و خواهش و مانند آن بیان کند و چون پیرو جمله‌ی دیگر است، آن را وجه مطیعی نیز گویند: می‌خواهم بروم، شاید بروم، گمان می‌کنم که محمود آمده باشد. شریعت بر آن است که در وجه التزامی احتمال صدق و کذب در گفتار وجود ندارد و آن را به احتمال از قبیل آرزو، میل، امید، شرط و امثال آن بیان می‌کنند. (شریعت، ص ۱۳۱) وی در مورد فعل ماضی التزامی می‌گوید که این فعل برای بیان عملی به کار می‌رود که در آن معنی لزوم یا شک و تردید و یا تمنی و آرزو باشد: او باید رفته باشد؛

او شاید رفته باشد؛ او کاش رفته باشد؛ اگر او رفته باشد. (شریعت، ص ۱۵۴) وی در مورد فعل مضارع التزامی می‌گوید که این فعل فعلی است که به زمان حال یا آینده مربوط باشد و در آن معنی لزوم یا شک و تردید یا آرزو و تمنی باشد: باید برود؛ شاید برود؛ کاش برود. (شریعت، ص ۱۶۱)

احمدی گیوی و انوری معتقدند که مضارع التزامی در موارد زیر به کار می‌رود: (۱) در جمله‌هایی که شک و تردید را می‌رساند: شاید امروز باران بیارد؛ (۲) بیان فعلی که با شرط همراه است: اگر باران بیارد؛ من در خانه می‌مانم؛ اگر تو می‌آیی من هم می‌آیم؛ اگر توییابی من هم می‌آیم؛ (۳) بعد از فعلها و کلمه‌هایی که بر "لزوم" یا "درخواست" و جز آنها دلالت می‌کنند: باید بروم؛ لازم است بروی؛ می‌خواهم بروم؛ لازم است بروی؛ آسمان با هم درخت بخوانم. (گیوی و انوری، ج ۱، ص ۱۴۲) بیان ماضی التزامی در موارد زیر به کار می‌رود: (۱) بیان فعلی که همراه با شک و تردید باشد: شاید تا حال احمد از مسافرت برگشته باشد؛ (۲) بیان فعلی که همراه با آرزو بر زبان آید: ای کاش نسیم آمده باشد؛ (۳) بیان فعلی که همراه شرط است: اگر کسی به او اطلاع نداده باشد، نباید منتظرش باشیم؛ (۴) بیان فعلی که همراه تشبیه است: برف روی درخت نشسته، درخت مثل آدمی است که کلاهی سفید بر سر داشته باشد؛ (۵) بیان فعل بعد از ترکیبات "جز اینکه"، "مگر اینکه"، "غیر از اینکه" و مانند آنها: کسی به او چیزی نگفته مگر اینکه شما گفته باشید؛ (۶) در جمله پیرو به جای مضارع التزامی به کار می‌رود: آمدنم به خاطر این بود که شما را دیده باشم، یعنی بینیم؛ خیلی ساده آمده بود تا با دو مرد حرفی زده باشد. (گیوی و انوری، ج ۱، ص ۳۸) کما بیش همین مطلب را به طور خلاصه آورده‌اند. (گیوی و انوری، ج ۲، ص ۵۹-۵۴)

فرشیدورد نیز برای مضارع التزامی مطلق کاربردهای زیر را در نظر می‌گیرد: (۱) در معنی اصلی خود، مثل کاش هوشنگ به سفر برود. (۲) آینده التزامی مطلق: کاش بعدها برود. (فرشیدورد، ص ۱۳۶) به وجه امر التزامی اشاره می‌کند و می‌گوید که آن وجهی است بین وجه امری و التزامی و از ترکیب "باید" و "بایست" و "می‌بایست" و فعلهای

التزامی به وجود می‌آید، مانند باید بروم؛ باید بروی؛ باید برویم؛ باید بروید؛ باید بروند. (فرشیدورد، ص ۱۳۷) "باید" و مانند آنها را می‌توان در این مورد قید امر یا قید تأکید امری نامید و یا فعلی فرض کرد که فاعل آن جمله‌ای است که پس از آن می‌آید، مانند "باید به مدرسه برویم": او بایست می‌رفت."

احمد شفایی ضمن نقد نظرات دستور نویسان در زمینه وجه التزامی، پژوهشی نسبتاً دقیق در این باره انجام داده است. غرض از وجه، ساختهایی از فعل است که با نظر گوینده به طرز اجرای فعل از جنبه‌های امری بودن، مسلم بودن یا مسلم نبودن رابطه دارد. ساختهای افعال در فارسی سه وجه دارد: اخباری، التزامی و امری. وجه اخباری آن است که گوینده وقوع فعل را مسلم بداند و به گفته شفایی گوینده نسبت به وقوع فعل بی‌طرف باشد. (شفایی، ص ۸۸) وجه التزامی آن است که گوینده وقوع فعل را مسلم و قطعی مطرح نسازد؛ یعنی وقوع فعل را به صورت الزام، تردید، آرزو، توصیه، شرط یا میل مطرح کند. شفایی در وجه التزامی دید گوینده را نسبت به وقوع فعل به دو صورت خلاصه می‌کند: در مضارع التزامی حاکی از تمایل است و در ماضی التزامی تردید. (فرشیدورد، ص ۸۹)

خانلری معتقد است «فعلی که به وجه التزامی است همیشه به دنبال فعل دیگری می‌آید.» (خانلری، ص ۳۰) البته همیشه قبل از فعل التزامی فعل نمی‌آید. مثلاً واژه‌هایی مانند کاش، اگر، شاید قبل از فعل التزامی می‌آیند و فعل نیستند. به علاوه، گاه وجه التزامی به تنهایی نیز کاربرد دارد. به هر حال، معمولاً پیش از فعل التزامی واژه یا عباراتی می‌آید که بر نامسلم بودن اجرای فعل دلالت دارد. شفایی اینها را کلمات و افعال وجهی می‌نامد و می‌گوید اینها مبین مناسبات گوینده با طرز عمل فعل هستند و در تعیین وجه دستوری فعل بعد از خود مؤثرند.

وحیدیان کامیار می‌گوید کلمات وجهی عبارتند از باید، کاش، اگر، مبادا و عباراتی که به معنای این واژه‌ها به کار می‌رود، همچنین فعلهای خواستن و توانستن و فعلهایی که در جمله‌های مرکب پیرو مقصدی قرار می‌گیرند، مانند: رفتم که او را ببینم.

وی می‌افزاید نتیجه‌ای که از مطالب دستور نویسان حاصل می‌شود این است که وجه التزامی در تقابل با هم هستند؛ وجه اخباری وقوع فعل را به صورت مسلم می‌رساند و اگر پیش از افعال وجه اخباری کلمات وجهی التزامی ساز، که دلالت بر عدم قطعیت وقوع فعل دارند، بیاید وجه فعل از اخباری بدل التزامی می‌شود. مثلاً فعل در جمله «ایرج امتحان داد» در وجه اخباری است. حال اگر پیش از کلمات، وجهی التزامی ساز بیاوریم، زمان فعل از وجه اخباری به التزامی بدل می‌شود و به صورت زیر در می‌آید: «کاش ایرج امتحان داده باشد»، و اگر بگوییم «کاش ایرج امتحان داد» نادرست است. همچنین فعل جمله «علی به دیدن برادرش می‌رود» در وجه اخباری است و با آوردن یشی از کلمات وجهی التزامی در وجه اخباری بدل می‌شود. مثلاً فعل در جمله «کاش ایرج امتحان داد» نادرست است. برادرش برود».

ابوالحسن نجفی بر آن است که هرگاه پس از افعال زیر جمله پیرو بیاید، فعل این جمله بر وجه التزامی است و نه وجه اخباری:

۱. امیدوار بودن، امید داشتن، در این امید بودن، امید بودن (نجفی، ص ۴۱):

امیدوار بودم که نامه او تا هفته بعد برسد؛

امید داشت که او را فردای آن روز ببیند.

۲. انتظار رفتن (نجفی، ص ۴۲-۴۳): این فعل تقریباً با فعل امید رفتن و امید بودن

مرادف است و بنابراین متمم آن باید حتماً از امور خواستنی و آرزو کردنی باشد. مثال:

بیمار تب کرده است و انتظار می‌رود که به زودی عرق کند.

۳. توانستن (نجفی، ص ۱۱۸-۱۱۹): این فعل به چند معناست که از آنها دو معنی

رایجتر است:

الف) استعداد بالقوه یا بالفعل داشتن برای انجام کاری. مثال:

تنها او می‌تواند این وزنه را بلند کند.

هیچکس نمی‌تواند خط او را بخواند؛

شما می‌توانید موافقت او را جلب کنید.

ب) اجازه داشتن یا حق داشتن. مثال:

آیا می‌توانم اتاق شما را جارو کنم؟

همه می‌توانند از این نمایشگاه دیدن کنند؛

هر کس می‌تواند هر شغلی را که می‌خواهد انتخاب کند.

۴. عهد کردن و قول دادن؛ وعده دادن (یا کردن) (نجفی، ص ۲۷۵ و ۳۰۶)

مثال:

عهد کرده این کار را بکند؛

عهد کرده پیش هیچ سلطان نرود؛

قول دادم که هفته بعد برایش نامه بنویسم؛

و عده داده بودید (کرده بودید) که این پول را هرچه زودتر به دست او برسانید.

۵. افعال باز دارنده (نجفی، ص ۲۹۶-۲۹۷): افعال باز دارنده یا تحذیری افعالی

هستند که بر منع و نهی و پرهیز دلالت می‌کنند، مانند مانع شدن، منع کردن، نهی کردن،

غدغن کردن، بر حذر داشتن، جلوگیری کردن، باز داشتن، خود داری کردن، احتراز

کردن، ابا داشتن، امتناع کردن، استنکاف کردن.

مثال:

ای ابلیس چه چیز مانع شد از اینکه تو به آدم سجده کنی؟

غدغن کرد (منع کرد) که کسی در این کار مداخله کند؛

او را باز داشت از اینکه دست به اینکار بزند؛

پدرم مرا نهی کرده بود که به سینما بروم؛

مأموران جلوگیری کردند از اینکه کارگردان وارد کارخانه شوند؛

احتراز می‌کرد از اینکه او را ببیند.

دیدگاه این مقاله:

با بررسی نمونه‌های مورد نظر پژوهشگران زبان فارسی، می‌توان محمولها را به دو دسته

به شرح زیر تقسیم کرد:

الف) محمولهای کتتری: این محمولها متممهای گزاره‌ای از نوع «که + وجه التزامی» را به عنوان متمم می‌پذیرند.

به طور کلی در مورد این محمولها می‌توان گفت که اگر جملهٔ پیرو کوتاه یا سبک باشد و از نظر درک اشکالی ایجاد نکند، می‌توان آن را به صورت مصدر یا اسم مصدر نیز بکار برد:

آموختن:

باید به او آموخت که بر عواطف خود مسلط باشد.

باید تسلط بر عواطف را به او آموخت.

اجازه دادن:

بالاخره اجازه دادند. سه ساله را در ده سالگی.

بالاخره اجازه ورود به سالن دادند.

ترغیب کردن:

بچه‌ها را ترغیب کرد که غذا بخورند.

بچه‌ها را ترغیب به خوردن غذا کرد.

دعوت کردن:

همه را دعوت کرد که این فیلم را تماشا کنند.

همه را به تماشای این فیلم دعوت کرد.

قادر به بودن:

وکیل ه اافع درست قادر نیست که از متهم دفاع کند.

وکیل مدافع درست قادر به دفاع از متهم نیست.

قصد داشتن:

قصد نداشت که احساسات ملت را جریحه دار کند.

قصد جریحه دار کردن احساسات ملت را نداشت.

کمک کردن:

عینک به ما کمک می کند که تابلوها را بخوانیم.

عینک به ما در خواندن تابلوها کمک می کند.

مجبور کردن:

کمیته او را مجبور کرد که استعفا دهد.

کمیته او را مجبور به استعفا کرد.

اما اگر بند پیرو سنگین باشد، امکان تبدیل آن به مصدر کلهش می یابد:

علی امیدوار است که امروز به اصفهان برود.

*علی امیدوار به رفتن به اصفهان امروز است.

ظاهراً در نمونه بالا وجود قید زمان باعث سنگین شدن پیرو شده است و با حذف قید

مزبور جمله حاصل دستوری خواهد بود:

علی امیدوار به رفتن به اصفهان است.

ب) محمولهای ادراکی یا اخباری: این محمولها متممهای گزاره ای از نوع « که +

وجه اخباری» را به عنوان متمم می پذیرند. این محمولها را نیز می توان به نوبه خود به دو

دسته تقسیم کرد:

برخی از این محمولها از نظر صوری قابل تبدیل به وجه التزامی نیستند:

اقرار کرد که کلیدها را خودش برداشته است.

*اقرار کرد که کلیدها را خودش برداشته باشد.

اما در مورد برخی دیگر از این محمولها، می توان به جای وجه اخباری از وجه

التزامی استفاده کرد:

پنداشتن:

چنین می پندارند که بدن موجب خستگی روح است.

چنی می پندارند که بدن موجب خستگی روح باشد.

خیال کردن:

خیال می‌کنم که این صدا بوق اتومبیل دکتر است.

خیال می‌کنم که این صدا بوق اتومبیل دکتر باشد.

جالب است که بدانیم اگر زمان فعل بند پایه را تغییر دهیم، دیگر نمی‌توان فعل بند

پیرو را به وجه التزامی تبدیل کرد:

چنین پنداشتند که بدن موجب خستگی روح است.

* چنین پنداشتند که بدن موجب خستگی روح باشد.

خیال کردم که این صدا بوق اتومبیل دکتر است.

* خیال کردم که این صدا بوق اتومبیل دکتر باشد.

تبیین این پدیده در چهار چوب نظری این پژوهش، به پارامتر ارجاع زمانی مربوط

است؛ با این توضیح که چنانچه فاصله زمانی میان دو رخداد کم باشد، می‌توان وجه

التزامی هم به‌کار برد. (مجموعه پژوهشی زبان و رسامیه‌ها، ۱۳۸۱، ص ۱۰۰-۱۰۱)

استفاده می‌شود.

نکته دیگر آنکه برخی از افعال شناختی در زبان فارسی مفعول مستقیم و متمم

مفعولی می‌گیرند. البته ناگفته پیداست که این مورد با ارتقای فاعل متفاوت است؛ چون

در اینجا فعل ربطی «است» حذف می‌شود. در نحو جدید به این گونه ساخت‌ها خرده

جمله (small clause) گفته می‌شود:

دانستن: می‌دانم که علی زرننگ است. / علی را زرننگ می‌دانم.

پنداشتن: پنداشتم که حسن عالم است. / حسن را عالم پنداشتم.

پایبندی معنایی:

با توجه به پارامترهای ماریاپرسن (persson, p.185-6) می‌توان تفاوت معنایی میان

محمولها را به شرح زیر تبیین نمود:

۱. محمولهای کنترلی:

الف) مستقیم و بدون منازع:

پدرش او را از مدرسه اخراج کرد.

ب) مستقیم و با منازع:

او را مجبور به سکوت کرد.

ج) مستقیم و نامحدود:

قاضی به دربان دستور داد که او را مشایعت کند.

د. با واسطه:

قاضی اصرار کرد که آقای علوی بنشیند.

همانطور که ملاحظه می‌شود، در زبان فارسی میان نمونه‌های "الف" تا "د" تمایز ساختگی وجود دارد و این تمایزات را می‌توان با استفاده از پارامترهای زیر تبیین نمود: الف) مستقیم و بدون منازع: در نمونه‌های "الف"، A1 معین می‌کند که A2 چه کاری انجام دهد و عمل A1 همزمان با عمل بیرون رفتن A2 است و میزان موفقیت کنترل بدینوسیله تضمین می‌شود.

ب) مستقیم و با منازع: در نمونه‌های "ب"، A1 مسبب است، اما A2 آگاهانه درگیر رخداد می‌شود، و ممکن است بتواند در برابر آن مقاومت هم بکند. و همچنین ساکت شدن از طرف A2 باید پس از یا همزمان با اجبار توسط A1 صورت پذیرد. Noonun, P.11-113) معتقد است که چون رخدادها ضرورتاً همزمان نیستند، ارجاع زمانی بند متممی کاملاً وابسته به بند اصلی نیست.

ج) مستقیم و محدود: در نمونه‌های "ج" A2 می‌تواند، در برابر فرمان A1 از خود مقاومت به خرج دهد و کنترل به شکست بیانجامد. ارجاع زمانی بند متممی محدود به ارجاع زمانی پس از بند پایه است.

د) با واسطه: در نمونه‌های "د" هیچ خبری از تماس میان A1 و A2 وجود ندارد (و میان آن دو جدایی فیزیکی هست) و هیچ قرینه‌ای وجود ندارد حاکی از اینکه آیا کنترل موفق بوده است یا نه. همچنین چون ممکن است مدتی طول بکشد که اصرار قاضی به

آقای علوی برسد، تنوعات بیشتری در ارجاع زمانی بند پیرو وجود خواهد داشت.

(۲) محمولهای شناختی و اخباری:

گیون (Givon, P.518) بر آن است که شناخت، فعالیتی ذهنی است و متمم محمول شناختی بر وضعیت یا رخدادی که مفعول این فعالیت ذهنی است دلالت دارد. متمم بندهای اخباری بر مفعول فعالیت گفتاری A1 دلالت دارد. در مورد محمولهای شناختی و اخباری هیچ کنترلی وجود ندارد. هنگام بحث دربارهٔ درجهٔ پابندی، عوامل مهم عبارتند از: (۱) میزان وابستگی زمانی؛ (۲) میزان تماس بلاواسطه میان A1 و A2. به طور خلاصه منظور از این عوامل، فاصله زمانی و مکانی میان دو کنشگر است.

الف) شناخت فوری:

از خانواده‌ام شنیده‌ام (که) من بگویند من با هوش هستم.

ب) شناخت نه چندان فوری:

فاطمه احساس کرد که احمد به او خیره شده است.

ج) شناخت غیر فوری:

احساس کرد که شوهرش از خانه بیرون رفته است.

د) اخبار:

گفت که پیر مرد عقلش را از دست داده است.

تمایز معنایی میان نمونه‌های الف تا د را می‌توان با استفاده از پارامترهای زیر تبیین نمود:

الف) شناخت فوری: در نمونهٔ "الف" شناخت فوری است که مربوط به پارامتر

ارجاع زمانی است و همچنین هیچ فاصله مکانی میان A1 و A2 وجود ندارد که مربوط به

پارامتر تماس است؛

ب) شناخت نه چندان فوری: در نمونهٔ "ب" دو رخداد کاملاً همزمان نیستند و

معنای آنها این است که A2 مدتی به A1 خیره شده بود که A2 متوجه او شده است. و نیاز

نیست که A1, A2 از نظر مکانی نزدیک هم باشند حتی امکان ظاهر شدن صورت A2 در

صفحه تلویزیون نیز هست؛

ج) شناخت غیر فوری: در نمونه "ج" شناخت مستقیم نیست، چه از نظر مکانی و چه از نظر زمانی. وقتی A1 عمل احساس کردن خود را شروع می کند، عمل خارج شدن A2 به اتمام رسیده است. در این نمونه ها تصادفاً A1 و A2 از نظر مکانی نزدیک هم هستند، اما اصولاً به چنین تماسی نیاز نیست و هیچ تأثیری در شناخت ندارد؛

د) اخبار: در نمونه "د" هم از نظر زمانی و هم مکانی آزادی کامل به چشم می خورد.

پایبندی نحوی:

گیون (Givon, P.516) معتقد است که هر قدر پایبندی میان دو رخداد قویتر باشد، ادغام نحوی دو گزاره به یک بند محتملتر خواهد بود. اگر این نظریه درست باشد، انتظار می رود که قویترین پایبندی نحوی را در محمولهای کنترلی مستقیم و بدون منازع و ضعف ترین پایبندی نحوی را در محمولهای اخباری بیابیم.

۱) محمولهای کنترلی:

الف) مستقیم و بدون منازع: سعد (saad, P.75) و کمری (comrie) معتقدند که سببی های واژگانی دارای دو محمول زیر ساختی هستند که در ساخت در یکدیگر ادغام شده و به یک فعل واژگانی مبدل شده اند. گیون و فودور معتقدند که سببی های واژگانی و سببی های غیر واژگانی صاحب محمولهای زیر ساختی نیستند. نتیجه آنکه در بالاترین سطح از پایبندی معنایی، ساختی به کار می رود که در آن کنشهای A1 و A2 به صورت یک محمول بیان می شود به گونه ای که هیچ چیزی میان آن دو فاصله نمی اندازد. به عنوان مثال در جمله "پدرش او را از مدرسه اخراج کرد" «اخراج کردن» داراست.

ب) مستقیم و با منازع: در اینگونه محمولها، در زبان مورد مطالعه، فاعل بند پیرو به جایگاه مفعولی بند پایه ارتقا (raising) می یابد و محمول بند پیرو، مفعول غیر مستقیم بند پایه است:

او را مجبور به سکوت کرد.

ج) مستقیم و نامحدود: محمول بند متمم، موضوع‌های مخصوص به خود را دارد و فاعل بند پیرو به بند پایه ارتقا یافته و محمول بند متمم کمترین نشانه‌های زمان و وجه را داراست. در زبان فارسی محمول بند متمم فاقد نشانه زمان گذشته است:

قاضی به دربان دستور داد که او را مشایعت کند.

د) باواسطه: در اینگونه محمولها در زبان مورد مطالعه ارتقای فاعل به مفعول مشاهده نمی‌شود و از وجه التزامی استفاده می‌شود:

قاضی اصرار کرد که آقای علوی بنشینند.

۲) محمولهای ساختی:

الف) شناخت فوری: فاعل بند پایه به جایگاه مفعولی بند پیرو ارتقا یافته است، اما این ارتقا با ارتقاء موجود در محمولهای کجرا می‌تفاوت است؛ زیرا بند متممی در اینجا به صورت وجه اخباری است و نه التزامی. و در فارسی می‌توان متمم ... از را حذف کرد: از خانواده‌ام شنیده‌ام (که) می‌گویند که من با هوش هستم.

ب) شناخت نه چندان فوری و غیر فوری: در اینگونه محمولها، فاعل بند پیرو به جایگاه مفعولی بند پایه ارتقا نمی‌یابد و وجود متمم ساز اختیاری است. و مهمتر آنکه نشانه‌های زمان و وجه وجود دارند:

فاطمه احساس کرد (که) احمد به او خیره شده است.

احساس کرد (که) شوهرش از خانه بیرون رفته است.

د) اخبار: متمم‌های اینگونه محمولها بندهای شبه جمله هستند و فقط وجود متمم‌ساز است که میان اینگونه بندها و جملات ساده معادل آنها تمایز ایجاد می‌کند. البته وجود متمم ساز اختیاری است:

گفت (که) پیر مرد عقلش را از دست داده است.

نتیجه:

نتیجه آنکه در زبان فارسی بعد از افعال کنترلی، وجه التزامی به کار می‌رود و بعد از

محمولهای شناختی نیز، بسته به فاصله زمانی میان دو رخداد در بند پایه و بند پیرو، وجه التزامی و وجه اخباری به کار می‌رود. از طرف دیگر، بعد از محمولهای کنترلی می‌توان محمول دوم را به مصدر یا اسم مصدر تبدیل کرد، اما چنین تبدیلی در مورد محمولهای شناختی و اخباری میسر نیست و همین دو نکته رابطه میان معنا و نحو را به روشنی آشکار می‌سازد.

منابع و مآخذ:

- احمد گبوی، حسن و انوری، دستور زبان فارسی ۱، ویرایش دوم، تهران: انتشارات فاطمی، ۱۳۷۴.
- دستور زبان فارسی ۲، ویرایش دوم، تهران: انتشارات فاطمی، ۱۳۷۴.
- پنج استاد، دستور زبان فارسی، تهران: انتشارات کتابفروشی مرکز، ۱۳۷۳.
- شریعت، محمد جواد، دستور زبان فارسی، تهران: انتشارات اساطیر ۱۳۶۴.
- شفایی، احمد، مبانی علمی دستور زبان فارسی، [بی‌جا]: [بی‌نا]، ۱۳۶۳.
- فرشیدورد، خسرو، دستور امروز، تهران [بی‌نا]، ۱۳۴۸.
- نائل خانلری، پرویز، دستور زبان فارسی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۵۲.
- نجفی، ابوالحسن، غلط نویسیم: فرهنگ دشواریهای زبان فارسی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی ۱۳۷۰.
- وحیدیان کامیار، تقی، "وجه التزامی و زمانهای فعل" در مجله زبانشناسی، سال یازدهم، شماره دوم پاییز و زمستان ۱۳۷۱.

Comire, Bernard. The Syntax of Causative Constructions. in *Syntax and Semantics*, Vol.6. edited by Nasoyoshi Shibatani New York: Academic Press, 1976.

Fodor, Jerry A. Three Reasons for not Deriving "Kill" from "Cause to Die". *Linguistic Inquiry*, 1/4:429-38, 1970.

Givon, Talmy. Cause and Control. in *Syntax and Semantics Vol. 4*. edited by John F. Kimball, 59-89. New York: Academic Press, 1975.

- _____ . The Binding Hierachy and the Typology of Complements. in
Studies in Language, 4/3, 333-337, 1980.
- _____ . Syntax: A Functional typological Introduction I Philadelphia
 and Amsterdam: Benjamins, 1984.
- _____ . syntax: A Functional typological Introduction II
 Philadelphia
 and Amsterdam: Benjamins, 1940.
- Kiparsky, P.&C. Fact. in *Ambiguity, Amphigory, and the Semantic Interpretation
 of Sentences*. edited by Steinberg, 345-369, 1970.
- Noonan, Michael. Complementization in *Language Typology and Syntactic
 Description III*. edited by Timothy Sh. _____ CUP, 1985.
- _____ . *Semantic Considerations in the Syntactic Structures of
 Complement Clauses*. in *Modern Literary Arabic, in Arabic Grammar an
 Linguistics*. edited by Yasir Suleiman. Curzon Press, 1999.
- Saad, George Nehmuh. Transitivity, Causation and Passivization: A
 semantic-syntactic study of the verb. in *Classical Arabic, Library of Arabic
 Linguistics, Monograph no. 4*. London: Keegan Paul International, 1982.